

تأثیر محافظه‌کاری بر حق الزحمه حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران

محمد تمیمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۲

محمد امین اجاقی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۹

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. نمونه آماری پژوهش، شامل ۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس بوده، که داده‌های آن‌ها برای یک دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. جهت بررسی دقیق تر، شرکت‌های دارای محافظه‌کاری شرطی بالا و پایین از یکدیگر تفکیک و آزمون‌های اضافی در این خصوص صورت گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد به لحاظ آماری رابطه معناداری بین محافظه‌کاری شرطی و حق الزحمه حسابرسی در گروه شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا وجود ندارد و در گروه شرکت‌های دارای محافظه‌کاری پایین رابطه معکوس و معنادار به لحاظ آماری وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که مؤسسات حسابرسی در گروه شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا معیار محافظه‌کاری را در تعیین حق الزحمه خود لحاظ نمی‌کنند و عوامل با اهمیت دیگری همچون ارزش بازار کل سهام منتشر شده، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، بازده دارایی‌ها، انجام حسابرسی توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی و نسبت جاری در تعیین میزان حق الزحمه حسابرسی تأثیر داشته است و در گروه شرکت‌های دارای محافظه‌کاری پایین با افزایش سطح محافظه‌کاری، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌شود زیرا به نظر می‌رسد محیط گزارشگری مالی شرکت‌های محافظه‌کارتر، نیاز کمتری به رسیدگی‌های حسابرسان داشته است.

کلمات کلیدی: محافظه‌کاری شرطی، حق الزحمه حسابرسی، بورس اوراق بهادار تهران

۱ - گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران. نویسنده مسئول. پست الکترونیک: tamimi.mohammad@gmail.com

۲ - مربی، عضو هیات علمی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران

۱) مقدمه

محافظه‌کاری، تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوشایند در مقایسه با اخبار ناخوشایند، معنا شده است. محافظه‌کاری شرطی موجب تسریع شناسایی زیان‌ها و شناسایی با تأخیر سودها می‌گردد (قائمی و همکاران، ۱۳۹۳). گزارشگری محافظه کارانه موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی و به تبع آن ریسک ذاتی حسابرسی می‌شود و با کاهش ریسک ذاتی انتظار بر این است که حق الزحمه حسابرس کاهش یابد (هی جانگ سو^۳، ۲۰۱۴). حال این سؤال مطرح می‌شود که: آیا محافظه‌کاری شرطی بر حق الزحمه حسابرس تأثیر دارد؟ تحقیقات اخیر در این زمینه نشان می‌دهد که تعارض نمایندگی و هزینه‌های ناشی از آن یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. (گریفن و همکاران^۴، ۲۰۰۹، کیم و همکاران^۵، ۲۰۱۲، دی گورج و همکاران^۶، ۲۰۱۳، لی^۷، ۲۰۱۰، رجبی و محمدی خشویی^{۱۳۸۷}). هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بررسی چنین رابطه‌ای موجب می‌شود که خدمات حسابرسی توسط حسابرسان بهتر قیمت گذاری شود و وجود آن می‌تواند معیاری برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت پیش بینی هزینه‌های نمایندگی و وجود مشکلات نمایندگی فراهم آورد.

۲) پیشینه پژوهش

منافع اقتصادی حسابرسان از طریق حق الزحمه‌ای تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می‌شود. حسابرسان برای قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. عوامل توصیفی مدنظر در اغلب مطالعات شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. حق الزحمه حسابرسی تاکنون موضوع بسیاری از پژوهش‌های حسابرسی بوده و در تحقیقات متعددی به بررسی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹).

رجبی و محمدی خشویی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال ۱۳۸۴ پرداختند. این پژوهش با استفاده از روش آماری رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد متغیرهای متوسط جمع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، درصد سهم اولین سهامدار عمده، پایان سال مالی و نوع حسابرسان با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معنی‌داری دارند ولی سایر عوامل مرتبط با هزینه‌های

- 3- Heyjung Sonu.
- 4- Griffin & et al.
- 5- Kim & et al.
- 6- De George et al.
- 7- Li

نمایندگی از جمله نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به جمع دارایی‌ها، نسبت کل بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به جمع دارایی‌ها فاقد ارتباط آماری معنی داری با حق الزحمه حسابداری می‌باشند.

تنانی و نیکبخت (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر حق الزحمه‌های حسابداری را در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ آزمون کرده‌اند. روش آماری در این تحقیق، تحلیل همبستگی از طریق روش تخمین داده‌های تلفیقی (پانل) بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد متغیرهای حجم عملیات (اندازه) شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع موسسه حسابداری و تورم ارتباط معنی داری با حق الزحمه حسابداری دارند ولی متغیرهای ریسک حسابداری و تحصیلات و تجربه مسئول تهیه کننده صورت‌های مالی با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابداری) فاقد ارتباط آماری بودند.

موسوی و داروغه حضرتی (۱۳۹۰) به بررسی نقش جریان نقد آزاد شرکت‌ها بر حق الزحمه حسابداری پرداختند. هدف از پژوهش، تعیین این موضوع بود که آیا بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابداری رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج بررسی آن‌ها که با روش آماری رگرسیون چندمتغیره و ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفت در بین تعداد ۳۰۰ سال - شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ نشان داد که شرکت‌های با جریان نقد آزاد بالا دارای حق الزحمه حسابداری بیشتری هستند. همچنین در این شرکت‌ها، میزان بدهی و سود تقسیمی با حق الزحمه حسابداری از لحاظ آماری ارتباط معنی داری پیدا می‌کند.

خدادادی و حاجی زاده (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی با عنوان «نظریه نمایندگی و حق الزحمه حسابداری مستقل: آزمون فرضیه جریان‌های نقد آزاد» به بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی ناشی از فرضیه جریان‌های نقد آزاد بر حق الزحمه حسابداری پرداختند. تحقیق برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ و به صورت الگوی رگرسیون داده‌های تلفیقی انجام گرفت و نتایج کلی آن موید وجود ارتباط مثبت و معنی دار بین هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد شرکت و حق الزحمه حسابداری بود. همچنین شواهد نشان داد در شرکت‌های دارای جریان‌های نقدی آزاد زیاد، بین سطح بدهی و حق الزحمه حسابداری ارتباط مثبت و معنی دار و بین نسبت فرصت‌های رشد آتی و حق الزحمه حسابداری، ارتباط منفی و معنی دار وجود دارد.

تیلور و دیگران^۸ (۲۰۰۹)، اثر عوامل خرد (شامل ویژگی‌های حسابرس و واحد مورد حسابداری) و کلان اقتصادی (قانونگذاری، میزان افشا و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر حق الزحمه خدمات حسابداری را در ۲۰ کشور مختلف و در سطح بین‌المللی بررسی نموده‌اند. طبق نتایج پژوهش شرایط محیطی (قانونگذاری، میزان افشا و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر نوسانات حق الزحمه حسابداری در بازار جهانی خدمات حسابداری اثرگذار است و میان میل به قانونگذاری بیشتر و سطوح افشای بالاتر و طرح دعاوی افزون تر علیه حسابرسان با حق الزحمه بیشتر خدمات حسابداری رابطه مستقیم وجود دارد.

بدارد و جان استون^۹ (۲۰۱۰) در بخشی از پژوهش خود در مورد رابطه بین ریسک نظام راهبری با برنامه ریزی قیمت گذاری حسابرسان مستقل، مشاهده کردند که با وجود رفتارهای نامناسب مدیریت در گزارشگری مالی، که به صورت ریسک راهبری شرکت در نظر گرفته شده بود، ساعات کار حسابرسی و نرخ حق الزحمه آن افزایش یافت، به عبارت دیگر با افزایش ریسک راهبری (وجود ساز و کارهای نامناسب) حق الزحمه حسابرسی، افزایش یافت.

گریفن و دیگران^{۱۰} (۲۰۱۲) به بررسی و آزمون چارچوب اقتصادی تبیین کننده رابطه بین نظام راهبری شرکت‌ها و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های آمریکای پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد راهبری بهتر، هزینه حسابرسی را کاهش می‌دهد. آنان اعتقاد دارند این رابطه از این جهت روی می‌دهد که ایجاد نظام راهبری بهتر به کیفیت بهتر صورت‌های مالی و کنترل‌های داخلی قوی تر می‌انجامد و این موضوع حسابرسان را قادر می‌سازد قیمت ریسک حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را کاهش دهند.

لیو و سوبرامانیام^{۱۱} (۲۰۱۳) تأثیر مالکیت دولتی و اندازه موسسه حسابرسی را بر حق الزحمه حسابرسی بررسی نمودند. آن‌ها همچنین نوع مالکیت دولتی بلحاظ سازمان‌های دولت مرکزی و سازمان‌های دولت محلی را در ارزیابی‌های خود مورد توجه قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دولتی حق الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر در حسابرسی شرکت‌های دولتی با اندازه بزرگ، میزان حق الزحمه کمتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک دریافت می‌کنند.

فرگوسن و تیلور^{۱۲} (۲۰۱۳) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد و حق الزحمه حسابرسی مستقل در شرکت‌های استرالیایی پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین این دو وجود ندارد. آنان در تفسیر نتایج خود بیان کردند که استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۲ استرالیا دلیل چنین نتیجه‌ای بوده که در آن ذکر شده، نقش حسابرس به عنوان یک مکانیزم حاکمیتی نباید فراتر از اطمینان دهی در مورد «چارچوب گزارگری مالی شناسایی شده» گسترش یابد، بنابراین حسابرسان نیازی به لحاظ کردن ریسک مسائل نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد در حسابرسی قانونی خود ندارند.

□ ۳) فرضیه‌های پژوهش

۱- بین سطح محافظه کاری شرطی حسابداری و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

9 - Bedard and Johnston.

10- Griffin and et al.

11- Liu and Subramaniam

12- Ferguson and Taylor

۴) روش پژوهش

۴-۱) نمونه و جامعه آماری

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیات تحقیق از داده‌های مالی طبقه بندی شده و حسابداری شده شرکت‌های فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ استفاده می‌شود. نمونه آماری این تحقیق شامل تمامی شرکت‌هایی است که شرایط ذیل را دارا باشند.

(۱) در طول سالهای مالی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ در بورس حضور داشته‌اند.

(۲) جزو شرکت‌های سرمایه گذاری، بیمه‌ها، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی نباشند.

(۳) نماد معاملاتی شرکت فعال و بیش از ۴ ماه در سال توقف نماد معاملاتی نداشته باشد.

(۴) پایان سال مالی آن‌ها آخر اسفند هر سال بوده و در طول دوره فوق‌الذکر تغییری در سال مالی نداده‌اند

(۵) در همه سالهای مورد بررسی در پایان سال مالی اطلاعات و داده‌های موردنیاز آن‌ها در دسترس باشد.

در نتیجه اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک ۷۲ شرکت از جامعه آماری جهت انجام آزمون‌ها انتخاب شدند. دوره تحقیق ۶ سال متوالی می‌باشد بنابراین حجم نهایی نمونه ۴۳۲ سال-شرکت (۶*۷۲) می‌باشد.

۴-۲) روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های خام و تبدیل آن‌ها به اطلاعات موردنیاز برای تصمیم‌گیری در خصوص فرضیات از آزمون رگرسیون به روش کمترین مربعات استفاده می‌شود. در هر یک از رگرسیون‌های برازش شده آزمون‌های لازم جهت اطمینان از برقراری فرض‌های اولیه و اعتبار مدل رگرسیونی انجام می‌شود. این آزمون‌ها از طریق نرم افزار آماری Eviews و در سطح اطمینان ۹۵٪ اجرا می‌شود. برای سنجش رابطه بین حق الزحمه حسابداری و محافظه‌کاری شرطی از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$AUD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 C_SCORE_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 LnMVE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 BIG_{i,t} + \beta_8 LOSS_{i,t} + \beta_9 INVEREC_{i,t} + \beta_{10} CR_{i,t} + \beta_{11} RET_{i,t} + \epsilon_{it}$$

AUD: لگاریتم طبیعی مجموع حق الزحمه حسابداری (به عنوان متغیر وابسته)

C_SCORE: محافظه‌کاری شرطی حسابداری محاسبه شده از روش باسو^۳ (به عنوان متغیر مستقل). نحوه اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی براساس مدل باسو (۱۹۹۷) بصورت ذیل می‌باشد.

$$NI_{it} = b_0 + b_1 RD_{it} + b_2 R_{it} + b_3 R_{it} * RD_{it} + e_{it}$$

که در آن:

NI: سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در اول دوره مالی

RD: یک متغیر مجازی است و برای شرکت‌هایی که بازده منفی دارند برابر با یک و برای سایر شرکت‌ها صفر می‌باشد

R: بازده سالانه سهام شرکت

در این مدل چنانچه β_3 مخالف صفر و مثبت باشد. نشاندهنده میزان محافظه کاری است که برای هر شرکت بصورت جداگانه و در هر سال محاسبه می‌شود. $(\beta_3 + \beta_2)$ واکنش سود نسبت به اخبار بد می‌باشد و چون $\beta_2 < \beta_3 + \beta_2$ است. پس β_3 مثبت و در واقع آن ضریب عدم تقارن زمانی سود است که معیار محافظه کاری شرطی است (باسو، ۱۹۹۷).

LEV: اهرم مالی که نسبت کل بدهی تقسیم بر کل دارایی است (به عنوان متغیر مستقل)

LnMVE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار کل سهام منتشر شده شرکت (به عنوان متغیر کنترل)

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (به عنوان متغیر کنترل)

ROA: بازده دارایی‌ها که از نسبت سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها بدست می‌آید (به عنوان متغیر کنترل).

GROWTH: نرخ رشد فروش نسبت به سال گذشته (به عنوان متغیر کنترل)

BIG: متغیر ساختگی برابر یک اگر حسابرسی توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد و در غیر این صورت صفر (به عنوان متغیر کنترل)

LOSS: متغیر ساختگی برابر یک اگر شرکت در دو سال متوالی گذشته زیان گزارش کرده باشد و در غیر این صورت صفر (به عنوان متغیر کنترل)

INVEREC: نسبت موجودی کالا به اضافه حساب‌های دریافتی تقسیم بر کل دارایی‌ها (به عنوان متغیر کنترل)

CR: نسبت جاری که از تقسیم دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها بدست می‌آید (به عنوان متغیر کنترل).

RET: بازده سالانه سهام شرکت (به عنوان متغیر کنترل)

□ ۵ یافته‌های پژوهش

۵-۱) آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای بکار رفته در مدل آزمون فرضیات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق												
نسبت جاری	حسابرس شرکت	نسبت بازده دارایی‌ها	بازده سهام	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	زمان ده بودن	رشد فروش	نسبت موجودی‌ها به دارایی‌های جاری	لگاریتم ارزش بازار	اهرم مالی	محافظة کاری شرطی	حق الزحمه حسابرسی	
۰۰۶۶۰	۰۰۲۷۱	۰۰۱۱۶	۰۰۲۶۵	۲۰۰۳۶	۰۰۰۸۱	۰۰۳۲۰	۰۰۴۸۰	۱۲۰۹۰۲	۰۰۶۳۱	-۰۰۰۰۰۰۵	۶۰۱۴۰	میانگین
۰۰۷۰۵	۰۰۰۰۰	۰۰۰۹۴	۰۰۱۰۴	۱۰۶۰۰	۰۰۰۰۰	۰۰۱۴۷	۰۰۵۰۱	۱۲۰۷۷۵	۰۰۶۵۰	۰۰۰۰۰۰۹	۵۰۹۵۳	میانه
۰۰۹۵۹	۱۰۰۰۰	۱۰۰۱۹	۸۰۲۰۲	۲۷۰۱۴۴	۱۰۰۰۰	۲۹۰۱۱۹	۰۰۹۴۴	۱۷۰۷۳۰	۱۰۴۸۰	۰۰۳۷۸	۹۰۲۰۹	حداکثر
۰۰۰۸۰	۰۰۰۰۰	-۰۰۵۴۳	-۰۰۷۴۴	-۲۵۰۹۵۸	۰۰۰۰۰	-۰۰۹۹۷	۰۰۰۰۰	۹۰۳۶۴	۰۰۱۱۶	-۰۰۴۰۸	۳۰۵۸۴	حداقل
۰۰۱۹۵	۰۰۴۴۵	۰۰۱۳۱	۰۰۷۹۵	۲۰۹۷۱	۰۰۲۷۳	۱۰۸۵۳	۰۰۲۱۰	۱۰۴۷۷	۰۰۱۹۱	۰۰۰۴۳	۱۰۰۳۴	انحراف معیار
-۰۰۸۵۰	۱۰۰۲۸۰	۰۰۰۹۰	۵۰۲۱۹	۱۰۲۰۳	۳۰۰۷۳	۱۳۰۳۴۴	-۰۰۴۰۴	۰۰۳۷۲	-۰۰۰۲۹	-۰۰۱۴۷	۰۰۶۴۲	چولگی
۳۰۰۶۳	۲۰۰۵۷	۱۰۰۱۸۹	۴۴۰۱۴۷	۴۴۰۷۸۳	۱۰۰۴۴۱	۱۹۳۰۵۶۸	۲۰۴۰۳	۳۰۰۸۸	۳۰۸۱۱	۴۵۰۷۳۶	۳۰۱۲۷	کشیدگی
۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	۴۲۰	مشاهدات

نتایج بدست آمده از جدول ۱ نشان می‌دهد که انحراف معیار بدست آمده برای متغیر حق الزحمه حسابرسی، از میانگین این متغیر کمتر است. این یافته حاکی از نرمال بودن نسبی این متغیر (بعنوان متغیر وابسته) و عدم وجود نوسانات شدید در آن می‌باشد که در تحلیل رفتار آن از طریق مدل‌های رگرسیونی، اهمیت ویژه‌ای دارد. آماره‌های مربوط به متغیر محافظه کاری شرطی حاکی از این است که میانگین این متغیر، منفی می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که احتمالاً محافظه کاری شرطی شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق در سطح پایینی بوده است. میانگین بدست آمده برای متغیر اهرم مالی حاکی از این است که در حدود ۶۰ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق از طریق بدهی تأمین شده است. بر اساس یافته‌ها، نزدیک به ۵۰ درصد از دارایی‌های جاری شرکت‌های نمونه آماری، شامل موجودی کالا و حساب‌های دریافتی بوده‌اند. همچنین، میانگین بدست آمده برای متغیر نرخ رشد فروش مثبت است که نشان می‌دهد درآمد فروش شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق، به طور میانگین، روند افزایشی داشته است. بر اساس یافته‌های بدست آمده میانگین متغیر دو حالتی زیان ده بودن، ۰/۰۸ است. این یافته حاکی از آن است که در حدود ۸ درصد از شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق، زیان آور بوده‌اند. میانگین بازده سهام مثبت می‌باشد که حاکی از این است که شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق، به طور میانگین، بازدهی مثبت ۲۶ درصدی را نصیب سهامداران نموده‌اند. میانگین بازده دارایی‌ها نیز مثبت است و حاکی از بکارگیری نسبتاً صحیح منابع در شرکت‌های نمونه آماری دارد. همچنین، مطابق با یافته‌ها، تقریباً حسابرسی ۲۷ درصد از شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق، به عهده سازمان حسابرسی بوده است.

۵-۲) ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

ماتریس همبستگی، منعکس کننده ارتباط دو به دو متغیرهای تحقیق می‌باشد که به شرح جدول زیر می‌باشد

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای بکار رفته در مدل آزمون فرضیه‌ها											
نسبت جاری	حسابرس شرکت	نسبت بازده دارایی‌ها	بازده سهام	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	زیان ده بودن	رشد فروش	نسبت موجودی‌ها به دارایی‌های جاری	لگاریتم ارزش بازار	اهرم مالی	محافظه کاری شرطی	حق الزحمه حسابرسی
											۱۰۰۰
										۱۰۰۰	-۰۰۱۹
									۱۰۰۰	۰۰۳۵	۰۰۹۸
									۱۰۰۰	-۰۰۲۰۵	۰۰۵۵
							۱۰۰۰	-۰۰۴۰۸	۰۰۲۸۵	۰۰۵۵	-۰۰۱۰
						۱۰۰۰	۰۰۴۵	-۰۰۲۸	-۰۰۹۴	-۰۰۶۰	-۰۰۲۲
					۱۰۰۰	۰۰۲۵	۰۰۸۷	-۰۰۱۰۹	۰۰۳۳۲	۰۰۵۰	۰۰۳۱
				۱۰۰۰	-۰۰۱۶۴	۰۰۲۸	-۰۰۱۲۶	۰۰۳۶۳	-۰۰۱۱۴	۰۰۰۱	-۰۰۰۸۲
			۱۰۰۰	۰۰۱۳۳	۰۰۱۵	۰۰۰۳	۰۰۵۳	۰۰۱۰۷	-۰۰۱۱۷	۰۰۰۵	-۰۰۰۰۳
		۱۰۰۰	۰۰۹۳	۰۰۱۸۹	-۰۰۴۹۹	۰۰۹۳	-۰۰۱۰۹	۰۰۱۹۵	-۰۰۶۳۷	-۰۰۰۷	-۰۰۲۰۵
	۱۰۰۰	-۰۰۴۲	-۰۰۰۷۳	-۰۰۰۱۷	۰۰۱۱۳	-۰۰۰۳۹	-۰۰۰۵۵	۰۰۱۶۲	۰۰۰۸۱	-۰۰۰۴۲	۰۰۲۱۰
۱۰۰۰	-۰۰۰۳۳	-۰۰۰۸۴	۰۰۰۷۴	-۰۰۱۵۳	۰۰۰۷۶	۰۰۰۳۴	۰۰۴۲۴	-۰۰۳۳۵	۰۰۲۵۸	۰۰۰۵۹	-۰۰۰۲۱

منبع یافته‌های پژوهش

یافته‌های ارائه شده در ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی، بعنوان متغیر وابسته، با متغیرهای محافظه کاری شرطی، نسبت موجودی‌ها به دارایی‌های جاری، رشد فروش، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، بازده سهام، نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت جاری ارتباط معکوس دارد. این در حالی است که ارتباط بین این متغیر با متغیرهای اهرم مالی، لگاریتم ارزش بازار، زیان ده بودن و حسابرس شرکت، مستقیم می‌باشد. بررسی ارتباط متقابل بین متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که هیچ یک از ضرایب همبستگی، بالاتر از ۰/۵ نیستند و از این نظر احتمال وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل در الگوی آزمون فرضیات، رد می‌شود

۵-۴) بررسی نرمال بودن متغیر (های) وابسته

در این تحقیق برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جارگو-برا استفاده شده است. که نتایج این آزمون به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۳. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق		
متغیرها	آماره جارگو-برا	سطح معناداری
حق الزحمه حسابرسی	۲۹/۲۳	۰/۰۰۰

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به این که سطح معناداری آماره جارگو- برا کمتر از $0/05$ می‌باشد ($0/0000$) این یافته بیانگر این است که متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشد. بنابراین لازم است قبل از آزمون فرضیه‌ها این متغیر نرمال سازی شود. در این مطالعه برای نرمال سازی داده‌ها از تابع بازگشتی جانسون بهره گرفته شده است که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۴. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق پس از نرمال سازی		
متغیرها	آماره جارگو-برا	سطح معناداری
حق الزحمه حسابرسی	۳/۶۳۲	۰/۱۶۲

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج، سطح معنی داری بدست آمده از آزمون جارگو-برا برای متغیر وابسته، بیشتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است. به عبارت دیگر، داده‌های مربوط به متغیر وابسته پس از نرمال سازی، از توزیعی نزدیک به توزیع نرمال پیروی می‌کند و نرمال بودن بعنوان یکی از فرض‌های اساسی رگرسیون در خصوص این متغیر پذیرفته می‌شود.

۵-۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق
 نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیات تحقیق در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای آزمون فرضیات			
$AUD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 C_SCORE_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 LnMVE_{i,t} + \beta_4 MTB_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 BIG_{i,t} + \beta_8 LOSS_{i,t} + \beta_9 INVEREC_{i,t} + \beta_{10} CR_{i,t} + \beta_{11} RET_{i,t} + \epsilon_{i,t}$			
متغیر	ضریب β	آماره t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-۳/۲۳۸	-۶/۳۳	۰/۰۰۰
C_SCORE	-۰/۶۲۷	-۲/۶۳	۰/۰۰۸
LEV	-۰/۱۰۳	-۰/۳۴۳	۰/۷۳۱
LnMVE	۰/۲۵	۷/۲۱۳	۰/۰۰۰
MTB	-۰/۰۴۳	-۲/۷۷	۰/۰۰۵
ROA	-۱/۸۵۴	-۴/۰۰۴	۰/۰۰۰
GROWTH	۰/۰۰۷	۰/۳۲۲	۰/۷۴۶
BIG	۰/۳۴۷	۳/۵۳۳	۰/۰۰۰
LOSS	-۰/۰۳۵	-۰/۱۹	۰/۸۴۹
INVEREC	-۰/۴۷۹	-۱/۲۹۷	۰/۱۹۵
CR	۰/۷۹۶	۲/۰۶۵	۰/۰۳۹
RET	-۰/۰۲	-۰/۳۷۲	۰/۷۰۹
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۴۳		آماره F چاو: ۳/۸۶۸	
آماره دوربین واتسون: ۱/۹۹۱		سطح معنی داری F چاو: ۰/۰۰۰	
آماره F: ۸/۸۴۲		آماره هاسمن: ۳۹/۵۳۲	
سطح معنی داری آماره F: ۰/۰۰۰		سطح معنی داری هاسمن: ۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

جهت آزمون فرضیات، ابتدا باید مدل مناسب تشخیص داده شود. در این راستا از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون F کمتر از سطح خطا (۰/۰۵) می‌باشد؛ بر این اساس، استفاده از روش پانل جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیات، توصیه می‌شود. در مدل‌های مبتنی بر داده‌های پانل، لازم است روش تخمین مبتنی بر تصادفی بودن و یا ثابت بودن اثرات، مورد آزمون قرار گیرد و مناسب‌ترین روش، برای برازش مدل، انتخاب شود. در این راستا، ابتدا مدل رگرسیونی، مبتنی بر اثرات تصادفی برازش داده شده و سپس، از طریق آزمون هاسمن مناسب بودن روش اعمال شده، بررسی می‌شود. بر اساس یافته‌ها، سطح معناداری آزمون هاسمن پایین تر از ۰/۰۵ است، بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت جهت برازش مدل رگرسیونی آزمون فرضیات توصیه می‌شود.

نتایج تحلیل آماری در خصوص اعتبار الگوی رگرسیونی در بخش اول جدول فوق آمده است. ضریب تعیین مدل رگرسیونی ۰/۴۳ می‌باشد و حاکی از این که این مدل توانسته است ۴۳ درصد از حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های نمونه آماری را از طریق متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین نماید. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که آماره دوربین و اتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ بوده و بنابراین، بین خطاهای الگوی رگرسیونی خود همبستگی شدیدی وجود ندارد و عدم وجود خود همبستگی بین خطاها، بعنوان یکی از فرض‌های اساسی رگرسیون در خصوص مدل برازش شده، پذیرفته می‌شود. نتایج تحلیل واریانس رگرسیون (ANOVA)، که براساس آماره F در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود. سطح معنی داری آماره F برای مدل کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است و در نتیجه رگرسیون برآورد شده بلحاظ آماری معنی دار و روابط بین متغیرهای تحقیق، خطی می‌باشد. یکی از فرض‌های اساسی رگرسیون که منجر به اعتبار آن می‌شود؛ نرمال بودن باقیمانده‌های آن است. این شرط، در جدول زیر مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول ۶. بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های رگرسیونی		
متغیرها	آماره جارگو-برا	سطح معناداری
حق الزحمه حسابرسی	۳/۵۴۷	۰/۱۶۹

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معناداری آزمون جارگو-برا که بالاتر از ۰/۰۵ است؛ حاکی از نرمال بودن توزیع باقیمانده‌ها دارد و نشان می‌دهد که رگرسیون برازش شده، اعتبار لازم برای تصمیم‌گیری در خصوص فرضیات را دارد.

۶ یافته‌های پژوهش

بین سطح محافظه‌کاری شرطی حسابداری و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. نحوه تصمیم‌گیری در خصوص فرضیه اول به صورت زیر می‌باشد.

$$H_0: \beta_1=0$$

$$H_1: \beta_1 \neq 0$$

با توجه به یافته‌های ارائه شده در جدول فوق، ضریب برآورد شده برای متغیر $C_SCORE(\beta_1)$ که ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی با حق الزحمه حسابرسی را نشان می‌دهد، بمیزان ۰/۶۲۷- و با سطح معناداری ۰/۰۰۸ می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که بین متغیرهای مذکور، ارتباط معکوس و معنادار به لحاظ آماری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های با سطح محافظه‌کاری بالاتر، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کرده‌اند. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه اول سازگار است و در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، پذیرفته می‌شود.

با توجه به یافته‌های ارائه شده در جدول فوق، ضریب برآورد شده برای متغیرهای ارزش بازار،

بازده دارایی‌ها، نوع حسابرسی و نسبت جاری مستقیم و معنادار است. این یافته حاکی از این است که شرکت‌های با ارزش بازار بالاتر و بازدهی بیشتر، حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند. همچنین، شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی، مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؛ حق الزحمه حسابرسی بالاتری را متحمل شده‌اند. این در حالی است که ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی با نسبت بازده دارایی‌ها، معکوس و معنادار است و نشان می‌دهد که شرکت‌های با سودآوری بالاتر، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کرده‌اند.

□ ۸- آزمون‌های اضافی

جهت اطمینان بیشتر و تفسیر دقیق‌تر ارتباط محافظه‌کاری مشروط با حق الزحمه حسابرسی آزمون‌های اضافی صورت گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا شرکت‌ها به دو دسته با محافظه‌کاری بالا و پایین تفکیک شدند با توجه به اینکه میانگین محافظه‌کاری مشروط (با احتساب ۳ رقم اعشار) صفر می‌باشد، در این تفکیک نمونه‌هایی که محافظه‌کاری مشروط کوچک‌تر از صفر داشتند در دسته محافظه‌کاری پایین و مابقی نمونه‌ها در دسته محافظه‌کاری بالا قرار گرفتند، سپس اطلاعات هر گروه در رگرسیون قرار گرفت نتایج بدست آمده در جدول زیر ارائه گردیده است:

جدول ۷. آمار توصیفی به تفکیک نمونه‌های با محافظه‌کاری پایین و بالا										
CR	ROA	RET	MTB	LOSS	GROWTH	INVEREC	LnMVE	Lev	C ₁ SCORE	AUD
محافظه‌کاری پایین:										
۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	مشاهدات
۶۶۲	۰.۹۷	۲۳,۱۵۸	۲,۰۸۵	۰.۱۰	۰.۳۱۶	۰.۴۸۴	۱۲,۹۲۷	۶۵۴	۰.۱۵	۶,۱۹۳
۰.۷۰۲	۰.۷۳	۹,۵۹۶	۱,۶۶۹	۰.۰۰	۰.۱۴۰	۰.۵۱۱	۱۲,۷۸۶	۶۷۱	۰.۰۰۱	۶,۱۰۹
۰.۱۹۸	۰.۱۳۶	۷۶,۴۲۹	۳,۵۸۰	۰.۲۹۴	۱,۷۲۸	۰.۲۰۵	۱,۴۰۹	۰.۱۸۸	۰.۴۳۶	۱,۰۲۹
۰.۹۲۵	۱,۴۵۲	۶,۳۳۴	۰.۷۱۶	۲,۷۸۰	۱۲,۰۹۸	۰.۵۰۹	۰.۱۵۱	۰.۲۷۸	۰.۵۶۰	۰.۴۹۶
۰.۲۰۳	۱۳,۲۲۹	۶۲,۳۳۰	۳۱,۳۷۱	۵,۷۸۹	۱۵۷,۳۷۵	۰.۵۰۸	۰.۲۳۹	۰.۴۰۳	۳۹,۹۲	۰.۱۴۳
محافظه‌کاری بالا:										
۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	۲۳۱	مشاهدات
۶۵۹	۰.۱۳۳	۲۹,۲۲۶	۱,۹۹۶	۰.۰۶۹	۰.۲۲۳	۰.۴۷۶	۱۲,۸۸۲	۶۱۳	۰.۱۲	۶,۰۹۷
۰.۷۰۷	۰.۱۱۵	۱۱,۷۰۰	۱,۵۹۱	۰.۰۰	۰.۱۴۸	۰.۴۹۴	۱۲,۷۵۲	۶۳۱	۰.۰۰۱	۵,۹۰۵
۰.۱۹۱	۰.۱۲۵	۸۱,۹۷۳	۲,۳۶۷	۰.۲۵۴	۱,۹۵۲	۰.۲۱۴	۱,۵۳۳	۰.۱۹۲۴	۰.۳۸	۱,۰۳۸
۰.۷۹۴	۰.۴۷۷	۴,۵۳۳	۶,۳۳۴	۳,۴۱۵	۱۴,۰۸۳	۰.۳۲۹	۰.۵۲۱	۰.۱۷۳	۶,۶۲۴	۰.۷۷۴
۰.۰۱۳	۲,۰۸۰	۲۹,۴۴۹	۵۸,۶۰۸	۹,۷۴۷	۲۰۸,۱۹۱	۰.۶۳۴	۰.۳۷۸	۱,۴۰۰	۵۱,۰۸۹	۰.۲۲۲

منبع یافته‌های پژوهش

در جدول فوق آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک نمونه‌هایی با محافظه‌کاری

بالا و محافظه‌کاری پایین آورده شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌کنید میزان انحراف معیار حق الزحمه حسابرس در هر دو جامعه کمتر از میانگین می‌باشد که بیان‌کننده نرمال بودن نسبی این متغیر و به تبع آن عدم وجود نوسانات شدید در این متغیر است. میانگین متغیر محافظه‌کاری در نمونه‌هایی با محافظه‌کاری بالا مثبت و در نمونه‌هایی با محافظه‌کاری پایین منفی است که بیان‌کننده تفکیک صحیح دو جامعه می‌باشد. نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیون به تفکیک نوع محافظه‌کاری بالا و پایین در جدول ۸ آورده شده است:

جدول ۸. نتایج تجزیه و تحلیل آماری برای شرکت‌هایی با محافظه‌کاری شرطی پایین						
$AUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 C_SCORE_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 LnMVE_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 GROWTH_{it} + \beta_7 BIG_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 INVEREC_{it} + \beta_{10} CR_{it} + \beta_{11} RET_{it} + \epsilon_{it}$						
متغیر	شرکت‌های دارای محافظه‌کاری شرطی بالا			شرکت‌های دارای محافظه‌کاری شرطی پایین		
	ضریب β	آماره t	سطح معنی داری	ضریب β	آماره t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۱,۶۱۹	۱,۸۷۸	۰,۰۶۲	۲,۶۷۵	۳,۵۵۱	۰,۰۰۰
C_SCORE	-۳,۸۷۵	-۲,۳۱۲	۰,۰۲۲	۱,۰۴۹	۰,۵۷۲	۰,۵۶۸
LEV	۰,۰۶۹	۰,۱۳۷	۰,۸۹۱	-۰,۵۹۷	-۱,۴۰۴	۰,۱۶۲
LnMVE	۰,۳۳۲	۰,۵۸۸	۰,۰۰۰	۰,۳۰۲	۰,۶۲۵	۰,۰۰۰
MTB	-۰,۰۳۴	-۱,۶۵۵	۰,۱۰۰	-۰,۰۹۸	-۳,۳۷۳	۰,۰۰۱
ROA	-۲,۰۶۴	-۲,۷۳۲	۰,۰۰۷	-۲,۸۱۳	-۳,۸۶۷	۰,۰۰۰
GROWTH	-۰,۰۳۲	-۰,۷۷۷	۰,۴۳۸	۰,۰۴۳	۱,۳۰۸	۰,۱۹۲
BIG	۰,۱۵۵	۰,۹۹۰	۰,۳۲۳	۰,۳۱۴	۲,۲۵۴	۰,۰۲۵
LOSS	۰,۱۰۲	۰,۳۵۳	۰,۷۲۴	-۰,۲۲۳	-۰,۷۲۷	۰,۴۶۸
INVEREC	۰,۳۱۰	۰,۵۲۰	۰,۶۰۳	-۱,۰۲۶	-۱,۹۶۷	۰,۰۵۰
CR	۰,۳۴۲	۰,۵۷۲	۰,۵۶۸	۱,۳۲۷	۲,۳۶۱	۰,۰۱۹
RET	۰,۰۰۲	۱,۰۶۱۵	۰,۱۰۸	-۰,۰۰۱	-۰,۷۰۳	۰,۴۸۳
ضریب تعیین تعدیل شده:	۰/۲۰۷			۰,۲۶۲		
آماره دوربین واتسون:	۱/۱۸۶۲			۲,۰۱۹		
آماره F:	۵/۴۵۲			۸,۴۰۶		
سطح معنی داری آماره F:	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		
تعداد مشاهدات	۱۸۹			۲۳۱		

منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که در مدل برازش شده فوق با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات مشاهده می‌شود. سطح معنی داری آماره F هر دو مدل کوچک‌تر از ۰.۵٪ بوده و هر دو مدل معنی دار می‌باشند از آنجایی که آماره دوربین‌واتسون هر دو مدل بین ۱.۵ تا ۲.۵ می‌باشد فرض استقلال بین خطاهای رگرسیون پذیرفته است و می‌توان از رگرسیون برای برازش هر دو جامعه استفاده نمود.

همان طور که در برازش شرکت‌های دارای محافظه‌کاری بالا مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر محافظه‌کاری (۰.۵۶۸) بزرگ‌تر از ۰.۵٪ است. به نظر می‌رسد رابطه معنا داری بین میزان محافظه‌کاری و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای محافظه‌کاری بالایی هستند وجود ندارد یا به عبارتی به نظر می‌رسد مؤسسات حسابرسی در شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بالایی دارند، میزان محافظه‌کاری را در تعیین حق الزحمه خود لحاظ نمی‌کنند. و عوامل با اهمیت دیگری همچون ارزش بازار کل سهام منتشر شده، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، بازده دارایی‌ها، انجام حسابرسی توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی و نسبت جاری در تعیین میزان حق الزحمه حسابرسی تأثیر داشته‌اند.

در خصوص شرکت‌هایی با محافظه‌کاری پایین همان طور که در مدل برازش شده مشاهده می‌شود، ضریب برآورد شده برای متغیر C_SCORE (β_1) که ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی با حق الزحمه حسابرسی را نشان می‌دهد، به میزان $-۳/۸۷۵$ و با سطح معناداری $۰/۰۲۲$ می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که بین متغیرهای مذکور، ارتباط معکوس و معنادار به لحاظ آماری وجود دارد. به عبارت دیگر، از بین شرکت‌هایی با محافظه‌کاری پایین، با افزایش سطح محافظه‌کاری، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت شده است. در این شرکت‌ها علاوه بر میزان محافظه‌کاری عواملی همچون ارزش بازار سهام و بازده دارایی‌ها در تعیین حق الزحمه حسابرسی تأثیر داشته‌اند. این یافته با ادعای مطرح شده در فرضیه اول سازگار است.

۷- خلاصه و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق نشان داد که بین محافظه‌کاری شرطی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معکوس و معنادار به لحاظ آماری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های با سطح محافظه‌کاری بالاتر، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کرده‌اند. این یافته‌ها را می‌توان در راستای نتایج گری و همکاران (۲۰۱۰) و هی جانک سو (۲۰۱۴) دانست. به نظر می‌رسد که محیط گزارشگری مالی شرکت‌های محافظه‌کارتر، نیاز کمتری به رسیدگی‌های حسابرسی داشته است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که گروه‌های ذینفع در این شرکت‌ها با تقاضای محافظه‌کاری بیشتر، مکانیسم‌های نظارتی خود را در شرکت اعمال می‌کنند و از این جهت، به یک سطح اطمینان نسبی در خصوص اعتبار گزارشات مالی شرکت‌ها دست می‌یابند. به طور کلی، می‌توان استنباط نمود که در شرکت‌های مورد مطالعه، سرمایه‌گذاران و مدیران، اعمال رویه‌های محافظه‌کاری را به عنوان یک شاخص حاکمیتی موردنظر قرار داده‌اند و به آن اعتماد داشته‌اند. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه

گرفت که محافظه کاری که موجب تسریع شناسایی زیان‌ها و شناسایی با تأخیر سودها می‌گردد موجب می‌شود که هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و به تبع آن ریسک ذاتی حسابرسی نیز کاهش یابد که با کاهش ریسک ذاتی حسابرس حق الزحمه کمتری از صاحبکار طلب می‌نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش، در خصوص سنجش رابطه بین سطح بدهی و حق الزحمه حسابرسی، ضریب برآورد شده برای متغیرهای ارزش بازار، نوع حسابرس و نسبت جاری، مستقیم و معنادار است. این یافته حاکی از این است که شرکت‌های با ارزش بازار بالاتر و نسبت جاری بیشتر، حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند. همچنین، شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی، مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؛ حق الزحمه حسابرسی بالاتری را متحمل شده‌اند. این در حالی است که ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی با نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام، معکوس و معنادار است و نشان می‌دهد که شرکت‌های با بازدهی و ارزش بیشتر، حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت کرده‌اند. نهایتاً اینکه نسبت بدهی شرکت‌های حسابرسی شده، مبنای تعیین حق الزحمه حسابرسی نبوده است.

۸- پیشنهادات پژوهش

۱. مبنی بر اینکه بین محافظه کاری شرطی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معکوس و معنادار به لحاظ آماری وجود دارد؛ به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها را مدنظر قرار داده و احتمال تغییر راهبردهای مالی آن‌ها را در رابطه با این سیاست‌ها تبیین نمایند تا بتوانند تصمیمات سرمایه‌گذاری بهتر و مطمئن تری اتخاذ کنند.
۲. به مالکان و سهامداران بخش دولتی توصیه می‌شود که به راهبردهای مدیران شرکت‌ها را در خصوص میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان شرکت، توجه نموده و سیاست‌های موردنظر خود را در این خصوص اعمال نمایند تا نقش مورد انتظار سهامداران اقلیت، در راستای حفظ منافع شرکت در حوزه فرآیند حسابرسی، تأمین شود.

۹- پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

در حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که در خصوص هر یک از موارد ذیل به تحقیق بپردازند

۱. بررسی ارتباط بین تداوم همکاری با حسابرس با حق الزحمه حسابرسی
۲. بررسی تأثیر ساختار حاکمیتی شرکت‌ها بر تغییر و قطع همکاری با حسابرس
۳. بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها بر حق الزحمه حسابرسی
۴. بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر تغییر و قطع همکاری با حسابرس

۱۰- محدودیت‌های تحقیق

۱. یکی از عمده‌ترین محدودیت‌های تحقیقاتی که بر پایه آمار استنباطی انجام می‌شوند؛ تعمیم نتایج حاصل از آن‌ها به کل جامعه آماری در شرایط زمانی و مکانی مختلف است. بنابراین در تعمیم نتایج این تحقیق و بکارگیری عملی این نتایج نیز باید جانب احتیاط را مدنظر قرار داد.
۲. محدودیت دیگر تحقیق حاضر، در دسترس نبودن رتبه بندی کیفیت حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی در ایران می‌باشد. این اطلاعات می‌توانست بنحو موثری در تحقیق حاضر استفاده شده و عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی را بنحو مطلوب تری، تبیین نماید.

منابع

1. Basu, S. (1997), The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting & Economics* 24, 3-37
2. Bedard, J.C and Johnston, K.M (2010). Earning Manipulation Risk, Corporate Governance Risk, and Auditors Planning and Pricing Decisions. *The Accounting Review*, Vol.79 No. 2
3. De George, E., C. Ferguson, and N. Spear, (2013), How much does IFRS cost? IFRS adoption and audit fees, *The Accounting Review* 88, 429-462.
4. Ferguson, A., and S. Taylor, (2013), Free cash flow, debt monitoring and audit fees: A re-examination, Working Paper (University of New South Wales, Sydney, NSW).
5. Griffin, P., D. Lont, and Sun, Y. (2009), Governance regulatory changes, International Financial Reporting Standards adoption, and New Zealand audit and non-audit fees: empirical evidence, *Accounting and Finance*, 49, 697-724.
6. Griffin, P, Lant, D and Sun, Y (2012). Corporate Governance and Audit Fees: Evidence of Countervailing Relation. Working Paper, Available on WWW.SSRN.com
7. Heyjung Sonu, Catherine (2014). The Effect of Conditional Conservatism on Audit Fees. *Korean Accounting Review* Vol.39, No.2, April, 313-333.
8. Kim, J-B., X. Liu, and L. Zheng. (2013), The impact of mandatory IFRS adoption on audit fees: Theory and evidence, *The Accounting Review* 87, 2061-2094.
9. Li, S. (2010), Does mandatory adoption of international financial reporting standards in the European Union reduce the cost of equity capital?, *The Accounting Review* 85, 607-636.

10.Liu, N. Subramaniam. (2013), Government ownership, audit firm size and audit pricing: Evidence from China. *J. Account. Public Policy* 32 (2013) 161-175.

11.Taylor, M. and R, Baker. (2009). "An analysis of external audit fees". *Accounting & Business Research*, Vol. 12, pp. 55-60.

۱- تنانی، محسن و نیکبخت، محمد رضا. (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی. تابستان ۱۳۸۹. سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴). ص ص ۱۱۱ تا ۱۳۲.

۲- خدادادی، ولی و حاجی زاده، سعید. (۱۳۹۰). تئوری نمایندگی و حق الزحمه حسابرسی مستقل: آزمون فرضیه جریان‌های نقد آزاد. پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی. سال اول. شماره دوم. ص ص ۹۲-۷۶.

۳- رجبی، روح‌الله و محمدی خشویی، حمزه. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۵، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۸۷. ص ص ۳۵ تا ۵۲.

۴- قائمی، محمد حسین. کیانی، آیدین. تقی زاده مصطفی. (۱۳۹۳). «محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، ص ص ۴۷۱-۴۸۴.

۵- موسوی، سید علیرضا و داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی. سال سوم، شماره ۱۰. ص ص ۱۷۳-۱۴۱.